خبر

نگارش نمایشنامه براساس جنگ جمل

داوود فتحعلی‌بیگی نمایشنامه «پوستین وارونه» با زیرعنوان «مجلس شبیه واقعه جمل» را براساس واقعه جنگ جمل در قالب هنرهای آیینی همچون سایه‌بازی، پرده‌خوانی و نقالی نوشته و منتشر کرده است.

در بخشی از این کتاب در صفحه ۷۷ آمده است: «مرشد: آدم دو رو و دو رنگ یادت رفت! طلحه به ظاهر نزد خلیفه رفت و توبه کرد اما وسوسه رسیدن به مقام خلافت چنان تسخیرش کرده بود که در باطن شورشیان را علیه حکومت تحریک و تشویق می‌کرد. چنان‌که بعد از تنگ کردن حلقه محاصره خانه خلیفه، دستور داد از رسیدن آب به محاصره‌شدگان جلوگیری بشه.

وقتی این خبر به گوش مولا علی(ع) رسید چنان بر افروخته شد که بی‌درنگ حرکت کرد. وقتی به جمع شورشیان رسید، فریاد زد: ای مردم. این کار که شما می‌کنید، نه شبیه کار مومنان است نه شبیه کار کافران. فارسیان و رومیان اسیری را که می‌گیرند، خوراک و آب می‌دهند مانع رسیدن آب به اهل این خانه نشوید. کاری نکنید که کسی از عطش کشته بشود.»

کتاب پوستین وارونه نوشته داوود فتحعلی‌بیگی از مجموعه نمایشنامه‌های راه روشن در شمارگان هزار نسخه با قیمت ۴۰ هزار تومان از سوی انتشارات نمایش منتشر شده است./ هنرآنلاین

چهره

مربی کابالا

«دارن آرونوفسکی» فیلمسازی گزیده‌کار و تحصیلکرده است که سینما را در دانشگاه هاروارد خوانده‌است و کارنامه سینمایی او اگرچه سنگین و فیلم‌های او پرشمار نیست اما همه فیلم‌هایی که ساخته‌است، از نظر تکنیک سینمایی قابل توجه‌اند. اما فیلم‌های او از همان فیلم اولش یعنی «پی» به آموزه‌های کابالایی وابسته بوده‌اند و او در سیر فیلمسازی خود نشان داده‌است به راستی آموزه‌های این فرقه را با همه وجود باور دارد و سینما برای او وسیله‌ای برای ترجمان تصویری همین درس‌هاست.

این که می‌گوییم، حدس و گمان نیست، آرونوفسکی خود زمانی در گفت‌وگو با مجله «چیت چت» درباره سفر به اسرائیل گفته‌است: «من از آنجا بیرون آمدم با داستان‌های عالی و ایده‌های خوب. همین، بذر شکوفایی عناصر بسیاری از اندیشه کابالا در فیلم من کاشته شد. وقتی ما شروع به ساخت فیلم «پی» کردیم، این عناصر را در فیلم قرار دادم. من از ارتباطاتم با برخی عوامل فرقه حدسه در بروکلین استفاده کردم تا بتوانم از هدایت دانشمندان آنها در سراسر جهان بهره بگیرم. در اینجا سه خاخام خیلی سطح بالا برایم از راز و رمزهای بزرگ گفتند و با من در خیلی از رازها و داستان‌ها شریک شدند. اینها عواملی بودند که به ذهن من رسوخ کرد و سپس در فیلم جاری شدند.»

در «چشمه» فیلم دیگر آرونوفسکی او این بار به اندیشه بنیادی درخت زندگی یا سفیروت می‌پردازد. فیلم از سه داستان موازی تشکیل شده‌است که در همه آنها جست‌وجو به دنبال درخت زندگی نقش محوری دارد، هرچند مکان این سه اپیزود با هم تفاوت‌های زیادی دارد.

خود آرونوفسکی اذعان کرده که اندیشه‌های کابالایی پشت ساخت فیلم بوده و او سعی کرده‌است این اندیشه‌ها را در صدا، تصویر، دیالوگ‌ها و شخصیت‌ها وارد کند. آرونوفسکی که زاده یک خانواده یهودی -آمریکایی است، اوج وابستگی‌اش را به اندیشه‌های کابالایی با ساختن فیلم موهن «نوح» به نمایش گذاشت. او در این فیلم نشان داد اصلا هیچ اعتقادی به آموزه‌های واقعی یهود ندارد و حتی روایت‌های توراتی موجود را هم زیر پا گذاشته‌است.

فیلم به شدت با اعتراض محافل مذهبی جهان رو به رو شد و نه تنها مسلمانان بلکه مسیحیان نیز به شدت به این فیلم تحریف کننده، اعتراض کردند. آرونوفسکی همراه راسل کرو و اسکات فرانکلین تهیه‌کننده فیلم، سعی کردند پاپ را برای گرفتن تاییدیه‌ای برای فیلم ملاقات کنند اما پاپ به آنان وقت نداد و آنها تنها موفق به دیدار مختصری در حضور ۴۰ هزارنفر دیگر در میدان «سنت پیترز» با پاپ شدند و البته سعی کردند همین دیدار کوتاه را نشانه‌ای از همراهی پاپ تبلیغ کنند. اما سخنگوی واتیکان به سرعت واکنش نشان داد و این دیدار را بدون برنامه‌ریزی قبلی خواند و اعلام کرد این دیدار کوتاه غیررسمی به معنای تایید این فیلم توسط پاپ و واتیکان نیست. اما واتیکان به همین واکنش بسنده نکرد و در رسانه رسمی خود مطلبی درج کرد که آن به عنوان «یک فرصت از دست رفته» و نشان دهنده «نوح بدون خدا» است. همان زمان نمایش فیلم در تمام کشورهای اسلامی ممنوع اعلام شد.

هالیوود چگونه در کار بازتولید اندیشه‌های یک فرقه انحرافی است

سینما، عرصه سوداگری کابالا

آرش شفاعی
گروه فرهنگ و هنر

احتمالا بسیاری از شما، بارها کلمه کابالا را شنیده‌اید اما معنای دقیق آن و عمق نفوذ اندیشه‌های این فرقه برای بسیاری از ما ناشناخته است. ما فیلم‌های سینمایی بسیاری را در طول سال از راه‌های مختلف از جمله شبکه رسانه‌های فراگیر می‌بینیم و شاید از بسیاری از آنها هم خوش‌مان بیاید، اما نمی‌دانیم این فیلم‌ها چه تفکراتی را تبلیغ و ترجمه تصویری کدام اندیشه منحرف را به ما منتقل می‌کنند. ما سعی کرده‌ایم در این نوشتار، درباره این فرقه و بنیادهای فکری‌اش توضیح دهیم و با تطبیق دادن چند فیلم مشهور با بنیادهای اندیشه‌های این فرقه، تطابق شگفت‌آوری را که بین این تفکرات و فیلم‌ها وجود دارد، نشان دهیم. البته باید گفت در این زمینه چند فیلم و سریال دیگر را هم می‌شد به عنوان مثال ذکر کرد اما به دلیل محدودیت‌های صفحات از ذکر نام این فیلم‌ها صرف‌نظر کرده‌ایم و قضاوت و نقد این فیلم‌ها را به خوانندگان واگذار می‌کنیم. درباره فرقه کابالا به عنوان یک فرقه انحرافی منشعب از یهودیت، در سال‌های اخیر مطالبی جسته گریخته منتشر شده‌است. یکی از دلایل این سر و صدا درباره این فرقه، اعلام گرایش برخی از مشهورترین مشاهیر هالیوود از جمله مدونا، جیمز کامرون، الیزابت تیلور، باربارا استریسند، دمی مور، استلا مک کارتنی، بریتنی اسپیرز، اشتون کوشر، پاریس هیلتون و... به آن است. این فرقه، در هنر و ادبیات امروز غرب، ریشه محکمی دارد. از جمله نویسندگانی که به این فرقه گرایش دارد، فرانسیس کافکاست که شواهد زیادی در نوشته‌هایش نشان می‌دهد او آثار خود را کابالای جدید می‌دانست. اما گرایش سینمای امروز غرب به این فرقه‌های منحرف، فقط در علاقه‌مندی شخصی برخی بازیگران یا کارگردانان به آنها خلاصه نمی‌شود. در این نوشتار خواهیم گفت، ارتباط میان کابالا و سینما، ارتباطی عمیق، وثیق و اندیشگی است و بسیاری از تولیدات مشهور سینمای امروز جهان را باید با همین دیدگاه بررسی کرد.

کابالا یا قباله، گرایشی باطن‌گرایانه (نگوییم عرفانی) است که از یهودیت منشعب شده‌است. این انشعاب، برخلاف یهودیت خاخامی و تلمودی که به تفسیر شریعت‌گرایانه از دین موسی(ع) گرایش دارد، مشربی ذوقی، نمادگرا و صد البته باطن‌گرایانه است. درباره باطن‌گرایی و معنای آن در همین نوشتار باز هم سخن خواهیم گفت اما بهتر است قبل از هرچیز، بگوییم کابالا از کجا آمد. این فرقه ریشه در تفکرات و روایت‌های به جامانده از یهودیان دوران موسی(ع) و ته‌مانده اندیشه‌های دوران مصر فرعونی در ذهن آنان است که با اندیشه‌های نوافلاطونی ترکیب شده‌است. این اندیشه میان گروهی از یهودیان که به باطن‌گرایی و تاویل و تفسیر متمایل بودند، به صورت شفاهی رواج داشت اما اوجگیری این فرقه به قرون ۱۳ و ۱۴ میلادی در اروپا بازمی‌گردد. طی این دوران، در فرانسه و اسپانیا این اندیشه‌ها در دو کتاب، نخست «زوهر» و سپس «باهیر» مکتوب و راه برای فراگیری این فرقه و تبدیل آن از یک شبکه مخفی و رازآمیز به فرقه‌ای دارای نظریه و چشم‌انداز گشوده شد. به این ترتیب، دامنه کابالا از این دو کشور فراتر رفت و خیلی زود در فلسطین، لهستان، ایتالیا و دیگر کشورهای اروپایی طرفداران جدی پیدا کرد. مراکز اصلی گسترش این فرقه، نخست کاتالونیای اسپانیا و بعد شهر صفد در فلسطین است.

در نظریه کابالایی‌ها، آفرینش در ده سفیروت ظاهر شده‌است که مرتبه از بالا به پایین دارند. این ده سفیروت، ده فلک از افلاک ظهور الهی به‌شمار می‌آیند که خدا از آن ظاهر می‌شود و با هم جهان وحدت یافته حیات الهی را تشکیل می‌دهند. این ده سفیروت عبارتند از:

۱- کتر: به معنی تاج اعلای خداوند، نور ازلی و ابدی متجلی در اسم یهوه است. ۲-حکماه: به معنی دانش و اندیشه ازلی خداوند، در وحی مستقیم به موسی(ع) متجلی است. ۳-بیناه: به معنی خرد و برهان است. ۴-حسد: به معنی رحمت خداوند نسبت به بندگانش است. ۵-گوورا: به معنی داوری و عقاب در روز جزا و قدرت ازلی و ابدی خداست. ۶-تیفرت: به معنی عدل الهی که از شفقت خداوند سرچشمه می‌گیرد. ۷-نیصاح: به معنی آخرین صبر خداوند و قریحه مقتدرانه اوست. ۸-هود: یعنی عظمت خداوند. ۹-یسود: به معنی اس و اساس، دربردارنده نیروهای آفریننده خداوند. ۱۰-ملخوت: یعنی ملکوت خداوند که معمولا در زوهر به نام کنیسه اسرائیل توصیف می‌شود. به عبارت دیگر، افلاک ظهور الهی از نور یهوه شروع می‌شود و به کنیسه اسرائیل روی زمین می‌رسد. این ده فلک به شکل خاصی با هم ارتباط دارند که کتاب زوهر کوشیده‌است آنها را تفسیر کند و شرح دهد اما حرف اصلی و بنیادین کابالا چیست؟ پشت همه این رمزو رازها و نمادگرایی‌ها این است که از نظر کابالا خداوند پس از آفریدن جهان، اختیار و تدبیر مدیریت آن را از دست داده و انسان این اختیار را به تدریج به دست گرفته‌است. نقطه اوج این امر در آخرالزمان خواهد بود که منجی از میان قوم یهود به عنوان قوم برگزیده، از سرزمین موعود برمی‌خیزد و اختیار امور جهان را به صورت کامل در دسترس می‌گیرد.

گولم چیست؟

یکی از مفاهیم مهم در کابالیسم، مفهوم «گولم» است که نشات گرفته از اسطوره‌ای یهودی در مورد آفرینش انسان است. براساس این اسطوره، که از یک قطعه تلمود برداشت شده‌است، خاخامی به نام راوا، یک پیکره سفالی انسان‌نما را می‌آفریند که قدرت تکلم ندارد اما بارها تناسخ پیدا می‌کند و درنهایت بر سازندگان انسانی‌اش می‌شورد. براساس متون مقدس کابالیست، روند خلقت در سیستم سفیروت خدا از کنترل خارج شده‌است. در توصیفات این گروه، خدا به صورت ماشینی بارگ‌های پمپ مانند کروی ظاهر می‌شود که توسط کانال‌های مختلف به هم متصل شده‌اند و این کانال‌ها، نور الهی را در منظومه کیهانی ساطع می‌کنند اما این سیستم به‌دلیل «عملکرد نادرست» از هم گسیخته می‌شود و در نهایت خداوند خود را به شکل اصلاح شده انسان اولیه بازسازی می‌کند. باز این انسان، گولم را می‌آفریند و شاهد یک چرخه تکرارپذیر هستیم: از خدا به انسان و بعد گولم. همان‌طور که گولم، بازتاب‌دهنده وجود انسان است، انسان نیز خود گولمی است که به شکل خدا ساخته شده و نتیجه عملکرد نادرست سیستم آفرینش است، گولمی که علیه خالق خود شورش کرد و از بهشت بیرون انداخته شد.

با این توصیفات، اندیشه گولمی را چندین و چندبار در سینما و تلویزیون دیده‌اید. شاید نخستین فیلم از این دسته، فیلم صامت آلمانی Der Golem ساخته گوستاو ایرینک در سال ۱۹۱۵ است اما این داستان در کتاب‌های کمیک استریپ ابرقهرمانی، تولیدات دی سی کامیکس، فیلم‌ها و سریال‌هایی مانند سیمپسون‌ها، پرونده‌های ایکس و... تکرار شده‌اند. آثاری که براساس ایده خدا، انسان، گولم و برعکس ساختاری دایره‌ای و تکرارشونده دارند.

این دایره تکرارشونده را در فیلم مشهور استنلی کوبریک یعنی «۲۰۰۱: ادیسه فضایی» (۱۹۶۸) می‌بینیم که در آن ابررایانه هوش مصنوعی HAL دچار یک شکست عصبی می‌شود و اعضای واحد کنترل سفینه فضایی را می‌کشد. روایت دایره‌ای فیلم با شکل نمادین دایره‌ای سفینه فضایی گره می‌خورد و با سکانس مشهور استخوانی که توسط جد میمون بشر اولیه پرتاب می‌شود تا به سفینه فضایی که نماد آینده تکنولوژیکی بشریت است، می‌رسد این تکرارشوندگی را عینی می‌کند. البته باید به این نکته هم اشاره کرد که اندیشه‌های کابالیستی در طول تاریخ، با دیگر فرقه‌ها و انشعابات از ادیان دیگر ممزوج شده‌اند و بخشی از آنها رنگ و بوی مسیحی گرفته‌اند.

از فیلم‌هایی که با ایده مسیحی نجات ممزوج شده‌است می‌توان به Demon Seed (ساخته دونالد کمل، ۱۹۷۷) و سه‌گانه ماتریکس به کارگردانی لانا و اندی واچووسکی اشاره کرد که گرچه در قسمت اول ماتریکس نئو (با بازی کیانو ریوز) در مبارزه میان انسان و ماشین (و همچنین بین واقعی و مجازی) است اما در قسمت‌های بعدی این تمایز کمرنگ می‌شود و سرانجام نئو با رابط مرکزی شهر ماشین روبه‌رو می‌شود و با ماشین خدا به توافق می‌رسد: او ویروس خودتکثیر شونده‌ای به نام مامور اسمیت را شکست می‌دهد و در عوض ماشین‌ها، دیگر با انسان‌ها مبارزه نمی‌کنند. نئو که با دست‌های کشیده همچون یک مسیح مصلوب تصویر شده، با مامور اسمیت ادغام می‌شود و در نهایت نور درخشانی در سراسر ماتریکس ساطع می‌شود. پس از این پاکسازی، جهان روشن‌تر به نظر می‌رسد اما رنگ‌های شفاف هنوز هم مصنوعی بودن را نشان می‌دهند، گویی مجازی و واقعی، ماتریکس و صهیون نیز با هم ترکیب شده‌اند.

باطن‌گرایی کابالایی

ظهور فرقه‌های باطن‌گرا و باطنی‌گری در میان ادیان، مخصوص یهودیت نیست و در همه ادیان به چنین گرایش‌هایی برمی‌خوریم. این گرایش‌ها، دست خود را در تاویل چنان باز می‌گذارند که در موارد زیادی مسلمات ادیان را زیرپا می‌گذارند و به دام جعل و بدعت می‌افتند. فرقه‌های باطنی‌گری فراوانی در غرب هم به وجود آمده‌اند چون فرقه‌های پیروان کسانی چون هرمس تریسمگیستوس، مادام بلاواتسکی در انجمن تئوسوفیسم، خواهران فاکس، جرالد گاردنر و فرقه ویکا. بنیاد اعتقادات این گروه‌ها باورها و اعمالی است که به‌دنبال درکی بدیل یا مبهم از معنویت انسانی است و در دسترس عده‌ای خاص و معدود است و البته حرف‌های آنها چیز تازه‌ای هم نیست و به اعتقاد خود این فرقه‌ها ریشه در گذشته‌های باستانی دارد. به همین دلیل این اصطلاح را می‌توان برای گروهی پرشمار از فرقه‌ها از فرقه‌های گنوسی دوران باستان گرفته تا پرستندگان نوپاگانی معاصر خدای بافومه (نماد فرقه‌های فراماسونی) به کار برد. با وجود ادعای غرب مبنی بر گذر از تفکرات غیرمادی، باطنی‌گرایی در فلسفه، شبه‌علم، فرهنگ عامه، هنر، ادبیات و موسیقی غرب رسوخ کرده‌است. ویژگی مهم تفکرات باطنی‌گری، آمیختگی بنیادین آن با سحر و جادو استفاده از نیروهایی که از دسترس انسان‌های عادی خارج است و کابالا هم به عنوان یکی از فرقه‌های باطن‌گرای غربی که ریشه در دوران باستانی و مصر دوران فرعونیان دارد، با سحر و جادوگره خورده‌است.

جادو و عدد

جادوگری و عددگرایی در عرفان یهود جایگاهی اساسی دارد. به یاد داشته باشیم که براساس آیات قرآن در زمان حضرت موسی(ع) جادوگران و ساحران مصری قدرت زیادی داشتند و توانسته بودند برخی از علوم غریبه و اسرار را در اختیار بگیرند. برخی از آنان با دیدن معجزات موسی(ع) به خدا ایمان آوردند ولی گروهی از آنها همچنان در مسیر گمراهی باقی ماندند و اسرار و دانش‌های خود را برای اعقاب خود که یهودیان جدید بودند، به ارث گذاشتند که فرقه کابالا اعقاب امروزین آنان هستند. کابالا در این مسیر چنان تاخته‌است که آنچه از نظر آنان اهمیت دارد، دیگر ایمان به خدا و ملائک و عالم غیب نیست بلکه قدرت تسخیر ارواح و شیاطین در به دست گرفتن اختیار آنان برای تغییر وضعیت جهان به شکل مطلوب و آگاهی از آینده و پیش‌بینی سرانجام انسان و جهان است. موضوعی که همیشه مورد توجه سازندگان فیلم‌های سینمایی هالیوودی هم بوده‌است و به‌خصوص در فیلم‌های آخرالزمانی مانند آرماگدون نشانه‌های واضح آن را می‌شود دید. علم کردن تورات شفاهی در برابر تورات مکتوب، حربه‌ای بود که به وسیله آن راه را برای باطنی‌گرایی و تاویل و تفسیرزدگی افراطی و به تبع آن وارد کردن اوراد جادویی در این دین هموار کردند. کابالا که همواره مدعی تلاش برای ارتقای انسان به سمت نیروهای بالاتر بوده‌است، این ادعای خود را از راه جادوگری و ساحری، محقق می‌کرده‌است. براساس همین دیدگاه توجه به حروف، ارقام و اعداد و سعی در رمزگشایی از رازهای آنان همیشه جایگاه مهمی در کابالا داشته‌است. آنان به روش‌های مختلف به این کار دست می‌زدند. مثلا با محاسبه مقدار عددی کلمات به کشف روابط بین آنها می‌پرداختند. آنها معتقد بودند کلمات با مقدار عددی مساوی، می‌توانند جایگزین یکدیگر شوند برای همین چون مقدار عددی یهوه ۲۶ است، اعتقاد دارند اسم برتر خدا باید ۷۲ حرف داشته‌باشد. روش دیگر آنان کارکردن با حروف اختصاری یا تعویض و پس و پیش کردن کلمات برای آشکار شدن معانی مخفی آنهاست.

قاب

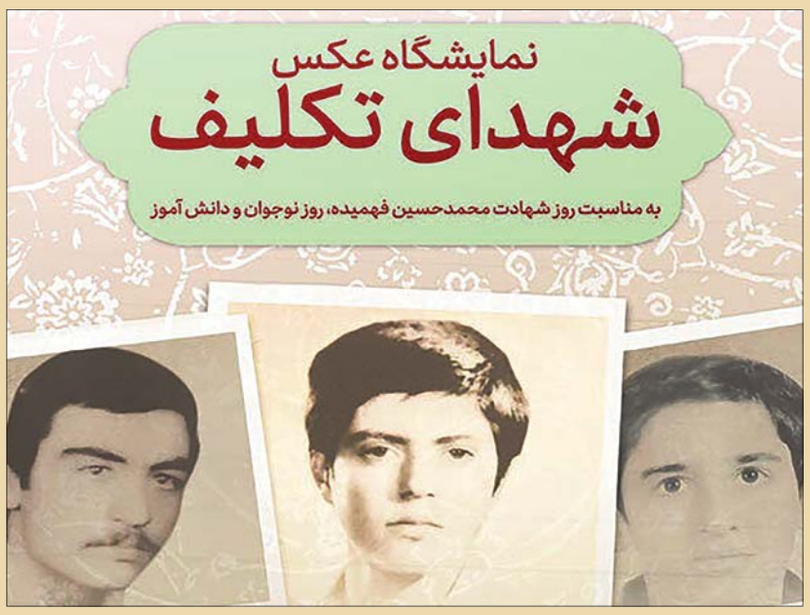

«شهدای تکلیف» در موزه هنرهای معاصر فلسطین

هم‌زمان با ۱۳ آبان، سالروز شهادت محمدحسین فهمیده، روز نوجوان و دانش‌آموز، موزه هنرهای معاصر فلسطین فرهنگستان هنر، با همکاری بنیاد شهید و امور ایثارگران، نمایشگاه عکس «شهدای تکلیف» را برگزار می‌کند. در این نمایشگاه، ۹۰ قطعه عکس شهدای دانش‌آموز، به همراه خلاصه‌ای از زندگی‌نامه این شهدا، به نمایش در خواهد آمد. آیین گشایش این نمایشگاه عصر امروز ۸ آبان ۱۴۰۱ از ساعت ۱۶ برگزار می‌شود.

پیشخوان

ضرورت فلسفی سلوک باطنی نزد سهروردی

سی‌ودومین نشست از مجموعه درسگفتارهایی درباره سهروردی به «ضرورت فلسفی سلوک باطنی نزد سهروردی» اختصاص دارد.

این نشست با سخنان دکتر مهدی ساعتچی در روز چهارشنبه ۱۱ آبان ساعت ۱۵ برگزار می‌شود و علاقه‌مندان می‌توانند این نشست را از اینستاگرام مرکز فرهنگی شهرکتاب به نشانی ketabofarhang، کانال تلگرامی bookcitycc و صفحه این مرکز در آپارات پیگیری کنند.

در بخشی از معرفی نشست مذکور آمده است: شباهت‌ها غالبا رهزن‌اند، گاه تا نام خدا را در متنی می‌بینیم می‌گوییم این متن دینی یا کلامی است و تا سخن از کشف و شهود به میان می‌آید تردید نمی‌کنیم که بحث عرفانی است. اما این خطای بزرگی است که مفاهیم را منقطع از زمینه‌ای که در آن مطرح شده‌اند و صرفا بر پایه تبادر نخستین آنها در ذهن خویش، ملاک داوری اندیشه‌ها قرار دهیم. سخن رایجی است که سهروردی پای عرفان را به فلسفه گشوده و افزون بر استدلال منطقی از کشف و شهود عرفانی نیز بهره یافته و حکمت اشراق او آمیخته‌ای است از آموزه‌های فلسفه نظری و ره‌آوردهای عرفان و تصوف./ ایسنا

رویداد

تقدیر از ۷ کودک ایرانی در مسابقه نقاشی بلغارستان

بیست و چهارمین مسابقه بین‌المللی نقاشی نوازاگورای کشور بلغارستان در سال ۲۰۲۲ با موضوع آزاد برگزار شد و از بین ۳۲۱۷ اثر از ۳۲ کشور، هفت نفر از اعضای مراکز فرهنگی و هنری کانون پرورش فکری موفق به کسب دیپلم افتخار از این دوره از مسابقات شدند. اسامی برگزیدگان این مسابقه عبارتند از: پرنیا محمدی هشت‌ساله از مرکز چوپار کانون استان کرمان، نازنین‌زهرا خاطری هفت‌ساله از مرکز شماره یک کانون مهاباد استان آذربایجان غربی، النا امید ۱۴ ساله از مرکز شماره یک کانون اردبیل، فاطیما سلگی ۹ ساله از مرکز کانون نهاوند استان همدان، فاطمه مسعودی ۱۸ ساله از مرکز شماره ۲ کانون صفاشهر استان فارس، زهرا عسگری ۱۲ ساله از مرکز شماره یک کانون مشکین‌شهر استان اردبیل و پانیذ نیک‌بخت ۱۵ ساله از مرکز شماره یک کانون خوانسار استان اصفهان. همچنین در بیست و چهارمین مسابقه بین‌المللی نقاشی نوازاگورا، یک دیپلم افتخار به امور بین‌الملل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان اهدا شد./ مهر